

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان/ سال پنجم/ شماره چهاردهم / تابستان ۱۳۹۳ / صفحات ۸۶-۶۷

نوع‌دوستی جوانان در سطح دوستان (مطالعه موردی شهر مشهد)*

هما زنجانی‌زاده اعزازی^۱

مژگان عظیمی هاشمی^۲

بهاره موفقی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی دگرخواهی در میان جوانان شهر مشهد، و به روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است. اطلاعات از طریق مصاحبه‌ی عمیق با ده نفر از جوانان ۱۸-۲۸ ساله شهر مشهد (۵ مرد و ۵ زن) جمع آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است. جوانان در مصاحبه‌ها دلایل دگرخواهی را توصیف کرده‌اند. با توجه به شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، پیامدهای دگرخواهی و کنش‌های دگرخواهانه‌ی جوانان می‌توان گفت جوانان به دلیل عواطف انسانی و مبادله اجتماعی (تحلیل هزینه-پاداش) و نیز به واسطه ارزش‌ها و باورهایی که در آنها درونی شده، در موقعیت‌های بحرانی، اقدام به کنش‌های دگرخواهانه نسبت به دوستان خود می‌کنند که نتیجه این وضعیت رضایت آنان از خودشان و تقویت انسجام اجتماعی در روابط با دوستان شان می‌باشد.

کلید واژه: دگرخواهی، نوع دوستی، رفتار جمع‌گرایانه، مصالح جمعی، رفتارهای حمایتی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۵

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. homa009@yahoo.com

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد، ایران. mozhgan. azimi@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. bahare_movaffaghi@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

دگرخواهی^۱ یک الگوی رفتاری موفقیت آمیز در بسیاری از فرهنگ‌های انسانی است (تالبرگ^۲ و تالبرگ^۳، ۱۹۹۶) که با توجه به منافع و مصالح دیگران صورت می‌گیرد. معمولاً آن را نقطه مقابل خود محوری، خودخواهی و فردگرایی تلقی می‌کنند (مارشال، ۱۳۸۸: ۳۶). به طور کلی اصطلاح نوع دوستی مشخصاً به معنی ملاحظات غیر خودخواهانه در جهت رفاه دیگران است (بارون، ۱۳۸۸). نوع دوستی اساساً یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۰: ۸۸). بشر در تمامی جوامع در طول تاریخ، احتیاج مبرمی به مسایل نوع دوستانه داشته است؛ این روحیه بشر دوستانه، یکی از عملکردهای طبیعت اجتماعی انسان است. او به طور غریزی، برای اقوام و آشنایان خود احساس دلتنگی و دلواپسی می‌کند (میلجی، ۱۳۷۸: ۱۴۸). شواهد تاریخی بیان می‌دارند که این روحیه بشر دوستانه، طی هزاران سال موجود بوده است. یهودیان باستان، یونانی‌ها و رومی‌ها همگی نسبت به هم‌نوعان نیازمند به کمک خود، بسیار فعال بوده‌اند (میلجی، ۱۳۷۸: ۱۴۹). بنابراین تضعیف دگردوستی منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). بویژه با پیچیده تر شدن جوامع و مدرن گشتن آنها اهمیت این مسأله بیشتر می‌شود چرا که در دوره مدرن فردیت، اعتلا یافته است (جهانگلو، ۱۳۸۲: ۷۲) بطوری که مهمترین نقد مارکس از مدرنیسم متوجه فردباوری است. مارکس نظام اقتصادی سرمایه داری را که بنیادش بر اصل خودپرستی و خودمدارنگار است مورد انتقاد قرار می‌دهد. به گمان او، هر نظام اقتصادی-اجتماعی که بنیادش بر فردباوری افراطی باشد، خرد ستیز و در نتیجه مغایر با عنصر اصلی اندیشه مدرن است (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۴). همچنین از نظر سی رایت میلز یکی از مسایل اجتماعی سهم جوامع امروزی، کاهش حس دگردوستی است که به ویژه در جوامع شهری کاملاً ملموس است (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۸). معمولاً در شرایط عادی یک جامعه، تراحم اساسی میان مصالح فرد و جامعه وجود ندارد و به قول جامعه شناسان، فرایندهای جامعه پذیری به گونه‌ای عمل می‌کنند که فرد در تعقیب منافع فردی خود هنجارمند عمل می‌کند و بدین سان بدون آنکه اجباری در کار باشد، منافع فردی از گذر پابندی به هنجار اجتماعی، محقق می‌شود؛ اما همیشه اینگونه نیست و شرایطی در جامعه پیش می‌آید که مصالح فرد در جامعه در تنازع با یکدیگر قرار می‌گیرند و از این رو بی نظمی و نابسامانی عمومیت می‌یابد (فردرو و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۳). معمولاً در این وضعیت، حرمت هنجارهای مرسوم شکسته شده، نظام اجتماعی از اعتبار می‌افتد و افراد در تحقق منافع فردی خود، حقوق اجتماعی را نادیده گرفته و زیر پا می‌گذارند؛ هرج

1 altruism

2 Tullberg, Birgitta. s

3 Tullberg, jan

و مرج و بی قانونی و انواع جرایم و انحرافات اجتماعی شایع شده و هم فرد و هم جامعه، آسیب‌های جدی می‌بینند؛ جامعه محل امن برای افراد نیست و انزوایی و گریز از جامعه پیشینه‌ی اصلی افراد می‌شود. (فردرو و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۴-۲۰۳). به همین دلیل توجه به موضوع نوع دوستی و چگونگی تقویت آن در روابط اجتماعی بسیار مورد توجه است. ما در نظر داریم که دگرخواهی تمایلی است که به طور فطری در همه انسان‌ها وجود دارد و این عوامل اجتماعی است که آنها را بارز می‌کند و موجب شدت و ضعف آن می‌شود. به عبارت دیگر، انسان‌ها فطرتاً و به حکم انسان بودن، در خصال انسانی تفاوت بارزی با یکدیگر ندارند، بنابراین باید به سراغ آن دسته از علل و عواملی گشت که احیاناً به تقویت و بروز چنین صفاتی منجر می‌شده و احتمالاً در شرایطی دیگر عکس آن رخ می‌داده است. لذا می‌بایست به تحلیل آن ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی‌ای پرداخت که جوانان در آن شرایط چنین کنشی را از خود بروز می‌دهند. در این پژوهش ما درصدد هستیم تا این عوامل اجتماعی را مورد بررسی قرار دهیم و از آنجا که جوانان نقش مهمی در تغییرات اجتماعی دارند و از مهمترین عوامل ترقی و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و... یک جامعه محسوب می‌شوند و همچنین بدین جهت که تغییرات یک جامعه بیشتر متوجه جوانان است،

در این پژوهش می‌خواهیم به شناخت وضعیت دگرخواهی جوانان در میان دوستانشان بپردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که کدام عوامل اجتماعی دگرخواهی جوانان نسبت به دوستانشان را به عنوان یک درون گروه بارز یا پنهان می‌کنند؟

۲- مطالعات پیشین

پژوهش عبدالهی و امینی (۱۳۸۶)، با عنوان "تحلیل جامعه شناختی دگر دوستی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)"، پژوهش احمدی (۱۳۸۸)، با عنوان "بررسی نوع دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن"، پژوهش دادستان و تجریشی (۱۳۸۳)، با عنوان "تحول مفاهیم اخلاقی دیگر دوستی در دانش آموزان دوره راهنمایی"، پژوهش شکوری (۱۳۸۶)، با عنوان "کنش‌های نوع دوستانه"، پژوهش معیدفر (۱۳۸۰)، با عنوان "جامعه شناختی مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران، پژوهش شکوری (۱۳۸۴)، با عنوان "رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها"، معیدفر و دربندی (۱۳۸۵)، با عنوان "رفتار نگرش جمع گرانه شهروندان تهرانی"، از جمله پژوهش‌های صورت گرفته داخلی است و پژوهش یونگ^۱ (۲۰۰۶)، با عنوان "در جست و جوی جامعه خوب: مقدمه‌ای بر نظریات نوع دوستی و ارتباط آن

با جامعه مدنی"، پژوهش جینتس^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، با عنوان "توضیح رفتار نوع دوستانه در انسان"، پژوهش مکندرو^۲ (۲۰۱۲)، با عنوان "آیا دگرخواهی رقابتی به منظور فداکاری، کنشی مردانه است؟"، پژوهش چن^۳ و همکاران (۲۰۱۲)، با عنوان "فرهنگ و حمایت اجتماعی چرا و چگونه؟"، از جمله پژوهش‌های صورت گرفته خارجی است. اما پژوهش‌های داخلی و خارجی فوق‌اکثراً با روش‌های کمی انجام شده و هیچ یک از آنها با استفاده از روش نظریه‌مبنایی به منظور دستیابی به عمق بیشتر انجام نشده است.

۳- مروری مفهومی بر دگرخواهی

دگرخواهی دارای تعاریف متعددی است. مونرو^۴ آغازگر جنبه نظری دگرخواهی، دگرخواهی را به عنوان "رفتاری که قصد دارد به دیگری سودرساند حتی وقتی که خطرهای احتمالی رفاه کنشگر را فدا کند"، تعریف کرد. او همچنین شش نکته کلیدی را در این تعریف مطرح کرد:

- دگرخواهی جنبه حقوقی را وقف می‌کند.
- عملی که باید هدف مستقیم باشد، نه آگاهانه و یا انعکاسی.
- هدف باید رفاه دیگری را در نظر بگیرد.
- نیت مهم تر از نتیجه به شمار می‌رود.
- عملی که باید با برخی امکان کاهش رفاه خود کنشگر همراه باشد.
- هیچ شرایط یا انتظار قدردانی نباید وجود داشته باشد (یونگ^۵، ۲۰۰۷: ۱۷-۱۶).

در نظر پارتو^۶ نوع چهارم از بازمانده‌های مربوط به جامعه‌پذیری عبارتست از: گرایش به قبول رنج خود به خاطر راحتی دیگری، که به اصطلاح معمول همان از خودگذشتگی است که افراد را به فداکردن خویش در راه دیگران و می‌دارد. این عمل از خودگذشتگی برای دیگران، که همان قبول فدا کردن وجود خویش است، در نظام فکری پارتو، کنشی غیرمنطقی است. کنش‌های غرض‌آمیز که فاعل کنش در آنها همه وسایل را برای رسیدن به حد اعلاء رضایت شخصی به کار می‌گیرد، کنش‌های منطقی‌اند. برعکس، فداکاری برای دیگران، غالباً

1 Ginits, Herbert

2. Mcandrew, Francis

3. Chen, jacqeline

4. Monroe

5. Yeung, Anne Birgitta

6. Pareto, Vilfredo

کنشی غیرمنطقی است (آرون، ۱۳۸۶:۴۹۴). آگوست کنت^۱ دگرخواهی را احساس و رفتاری مغایر با خودخواهی در نظر گرفته و آن را منبعث از ویژگی‌های نهادی موجود زنده می‌داند. از این منظر، دگرخواهی با تمایلات و غرایز مبتنی بر مهرورزی (نظیر محبت، ستایش، فداکاری و...) که در وجود انسان به طور ذاتی همانند تمایلات خودخواهانه وجود دارند، مرتبط شناخته می‌شود. به زعم "آگوست کنت" دگرخواهی تجلی کارکردی بعضی از عناصر مربوط به مغز است که با توجه به عللی چند، امکان شکوفایی یا رکود آنان وجود دارد (بیرو، ۱۳۶۷).

دورکیم^۲ معتقد است که سرشت رفتار اخلاقی نمی‌تواند در مضمون منافع فردی، اعم از منافع من یا دیگران تبیین شود. اخلاقیات از منبعی نشأت می‌گیرند که ورای منافع فردی است، اگرچه می‌تواند به آنها نیز انتقال یابد (گیدنز، ۱۳۶۳:۵۸). از نظر او اخلاق به عنوان فعالیتی غیر انتفاعی به اصولی غیرشخصی گرایش دارد که می‌تواند عمومیت یابد.

گیدنز^۳ معتقد است "هر چند ارزش‌های غالب در جامعه صنعتی به طور واضحی گرایش به رفع و تکمیل نیازها دارند، اما با تحقق ثبات اقتصادی، گرایش به استانداردهای بالاتر زندگی ایجاد می‌شود و در نتیجه باعث ارزش‌های پست مدرن در جوامع پیشرفته صنعتی مثل علایق زیبایی شناختی و خردمندی، احساس تعلق به جمع و جامعه بیشتر آموزش دیده و غیرشخصی می‌شود" (صدرا و قنبری، ۱۳۸۷:۶۷).

از نظر پارسونز^۴ در یک فراگرد اجتماعی شدن موفق، هنجارها و ارزش‌ها ملکه‌ی ذهن می‌شوند؛ یعنی به صورت بخشی از وجود کنشگران، یا وجدان آنها در می‌آیند. در نتیجه‌ی این فراگرد، کنشگران ضمن دنبال کردن منافعشان، در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۴:۱۳۶).

با توجه به نظریات مورد بررسی دگرخواهی کنشی غیر منطقی (بدون تحلیل هزینه-پاداش) و غیر انتفاعی است که از آنجا که معطوف به دیگران است به عنوان اخلاقی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. دگرخواهی به طور فطری و بالقوه در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد اما عوامل اجتماعی آن را بارز یا پنهان می‌کنند.

۴- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و بر پایه‌ی راهبرد نظریه‌مبنایی بوده است. نظریه‌مبنایی یک روش تحقیق کیفی است که می‌کوشد با به کارگیری یک سلسله رویه‌های سیستماتیک، نظریه‌ای مبتنی بر استقرار

1. Comte, Auguste
2. Durkheim, Emile
3. Parsons, Talcott
4. Gidness, Anthony

درباره پدیده‌ای ایجاد کند و یافته‌های آن شامل یک تنظیم نظری از واقعیت تحت بررسی است. در این روش نه تنها مفاهیم بلکه رابطه بین آنها نیز ایجاد و به‌طور موقت آزمایش می‌شوند (اشتراس^۱ و کوربین^۲، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳).

در پژوهش حاضر اطلاعات از طریق مصاحبه‌ی عمیق با جوانان، جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است. کدگذاری عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی، به‌شکلی تازه در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (فلیک^۳، ۱۳۸۷: ۳۲۹). بر این اساس متن مصاحبه در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده است.

در کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، مفاهیم اولیه استخراج شده است و با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم، مقولات حاصل شده است. در کدگذاری محوری، مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز تجزیه شده‌اند، در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل شده، و شرایط علی و میانجی دگرخواهی جستجو شده است. در کدگذاری انتخابی نیز، کدگذاری محوری در سطح انتزاعی‌تر ادامه یافته و تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته است.

جامعه هدف پژوهش حاضر جوانان ۱۸-۲۸ ساله شهر مشهد بوده است. برای انتخاب افراد از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شده است. با در نظر گرفتن اشیاع نظری، ده نفر از جوانان انتخاب شده‌اند. هم‌چنین در مرحله تحلیل داده‌ها، برای نمونه‌گیری از داده‌ها، از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است.

آنچه در این پژوهش مورد تأکید است ارائه مدل پارادایمی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی، کنش‌ها و پیامدهای دگرخواهی می‌باشد و درباره عدم دگرخواهی در جوانان تنها به توصیف بیان دلایل آن با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی خواهد پرداخت.

مشخصات جوانان مورد مطالعه:

جوانان مورد مطالعه بین ۱۸-۲۸ سال و میانگین سنی آنان ۲۴ سال بوده است. سطح تحصیلات جوانان، دیپلم تا کارشناسی بوده است. تعدادی از آنان بیکار و تعدادی شاغل بوده‌اند.

1. Strauss, Anselm

2. Corbin, Joliet

3. Flick, Uwe

تحلیل‌های صورت گرفته همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد، به شرح ذیل است:

جدول شماره ۱- مفاهیم، مقولات عمده و مقوله هسته محوری استخراج شده از داده‌های کیفی- سطح دوستان		
مفهوم اولیه	مقوله عمده	مقوله محوری هسته
دوست داشتن، انسانیت	احساسات	عواطف انسانی تعمیم یافته
کمک دوطرفه، کمک متقابل، سرمایه اجتماعی، فایده و سودمندی	تحلیل هزینه- پاداش	مبادله اجتماعی
وضعیت دشوار	شرایط نامساعد	بحران موقعیت
فراغت زمانی	فراغت	ارزش‌ها و باورها
خوب بودن دیگری	منش انسانی دیگری	
اخلاق	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	
اهدای عضو	بخشش جانی	کنش ایثارگرانه
غصه خوردن برای دیگری، دلداری، گوش دادن به مشکلات دیگران، غمخوار بودن	همدردی	کنش حمایتی
راهنمایی در حل مشکلات	مشارکت داوطلبانه	
پول قرض دادن	کمک مادی	
مراقبت از بیمار	پرستاری	
انجام کار بدون مزد	بخشش مادی	
در تنگنا قرار ندادن بدهکار	همدلی	
احترام گذاشتن، مهربانی، دلخور نکردن دیگران، وجدان، احساس آرامش	اخلاق مداری	
ارتباط بهتر	تقویت تعامل اجتماعی	رضایت از خود
		انسجام اجتماعی

در کدگذاری باز ۲۶ مفهوم اولیه، در مرحله کدگذاری محوری ۱۴ مقوله عمده و در مرحله کدگذاری انتخابی ۸ مقوله محوری هسته استخراج شده است. مقوله هسته در شرایط علی، عواطف انسانی و مبادله اجتماعی، در شرایط زمینه‌ای، بحران موقعیت‌ها، در شرایط میانجی، ارزش‌ها و باورها، در کنش/کنش متقابل، کنش‌های حمایتی و کنش‌های ایثارگرانه، در پیامدها، رضایت از خود و انسجام اجتماعی می‌باشد.

۶- شرایط علی دگرخواهی

مطابق مدل علی اشترواس و کوربین، شرایط علی شرایط علی به حوادث یا قایعی دلالت می‌کند که به وقوع یا رشد پدیده‌ای منتهی می‌شود (اشتراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۱). منظور از شرایط علی در پژوهش حاضر وقایع مربوط به دگرخواهی است که به وقوع دگرخواهی می‌انجامد. در این پژوهش شرایط علی دگرخواهی در دو

دسته‌ی عواطف انسانی تعمیم یافته و مبادله اجتماعی قرار می‌گیرند. در این بخش شرایط علی دگرخواهی جوانان به همراه نمونه‌هایی از صحبت‌های آنان بیان شده است.

۱) عواطف انسانی تعمیم یافته

عاطفه اصطلاحی است که به طور کلی به احساسات، تمایلات یا هیجانات و به خصوص به الگوهای پیچیده‌ی روانی، محیطی و شناختی‌ای که هیجان جنبه‌ی مهم آن است، اشاره دارد (من^۱، ۱۹۸۳: ۵). منظور از روابط عاطفی نوعی روابط است که با ماهیت دوستی میان افراد سروکار دارد. فرد ادراک کننده با تغییر در ماهیت روابط در یک حالت شناختی ناپایدار سعی دارد تعادل را برقرار کند. این اصطلاح در "نظریه تعادل" فرتیز هایدن به کار می‌رود (صلیبی، ۱۳۸۱: ۹).

«خوبی کردن به دوست که دلیل نمی‌خاد. ناسلامتی رفیقیمو هم دیگه رو دوست داریم. کلی با هم خاطره‌ی خوب و بد داریم. باید هوای همو داشته باشیم.» (مهران^۲)

۲) مبادله اجتماعی

منظور از مبادله اجتماعی این است که روابط اجتماعی از طریق ارزش‌ها و اعمال مثبت و منفی که افراد به یکدیگر عرضه می‌کنند شکل می‌گیرند (صلیبی، ۱۳۸۱: ۳۵۲). این اصطلاح به تحلیل تعامل میان افراد بر حسب سود و زیانی که هر فرد ارائه و دریافت می‌نماید اشاره دارد. از آنجا که افراد در یک رابطه یا گروه بهم بسته‌اند پیامدهایی که هر یک از آنان به دست می‌آورد بسته به کاری است که دیگران انجام می‌دهند. آنان باید رفتارشان را برای بیشینه ساختن منافع مشترک خویش با دیگران هماهنگ سازند (همان: ۳۵۳). در واقع افرادی که ارزش‌های اجتماعی دیگری چون حساسگری در آن‌ها درونی شده باشد، در عرصه‌ی کنش، به تحلیل هزینه-پاداش می‌پردازند. این دلیل به نوعی یادآور "دگرخواهی متقابل"^۳ است

1. Mann, Michael

۲. در ذکر مصادیق، جهت حفظ نام خصوصی افراد از اسامی مستعار استفاده شده است.

۳. نوع دوستی متقابل (reciprocal altruism) اصطلاحی است که توسط ر. تریور (r. triver) برای قاعده طلایی "با دیگران آن گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار نمایند" به کار گرفته شده است. این اصطلاح بدو در جامعه‌شناسی زیستی طرح گردید. (صلیبی، ۱۳۸۱: ۱۳)

که در آن اشخاص به مبادله‌ی دگرخواهی با یکدیگر می‌پردازند. شخص در صورتی دگرخواهی می‌کند که دیگری نیز، دگرخواهی کند.

«من سعی می‌کنم با دوستانم رابطه سالم و پایداری داشته باشم، چون معتقدم که همه روابطی که انسان دارد و همه آشنائیهایی که داری روزی به درد می‌خورند و بقول اندیشمندان، این روابط به عنوان سرمایه اجتماعی حتماً به درد بخورند. خب دوستان در واقع جزو اشخاص مهم و تأثیر گذار در زندگی آدمند و یک قضیه دیگه اینکه اگه فرضاً شما تو یه تنگنایی به دوستتون کمک کنید اونم در مقابل به وقتش به دادتون میرسه. بخاطر همین من همیشه سعی میکنم هوای دوستانمو داشته باشم.» (محسن)

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاص مربوط به ویژگی‌های پدیده است. یعنی مکان حوادث و وقایع مربوط به یک پدیده در طول یک دوره محدود. زمینه بیانگر مجموعه ویژگی‌های خاص شرایطی است درون آن راهبردهای کنش/واکنش صورت می‌پذیرد (اشترواس و کوربین، ۱۳۸۵:۱۰۲). در کدگذاری انتخابی، شرایط زمینه‌ای دگرخواهی درسه دسته‌ی ارتباط ژنتیکی، هنجارهای اجتماعی، بحران موقعیت و عدم حضور دگرخواه دیگر قرار گرفته است.

۱) بحران موقعیت

شرایط نامساعدی هستند که دیگری نیازمند در آن به سر می‌برد و در این شرایط است که نیازش به شخص دگرخواه افزایش می‌یابد.

«من دوستم باباش بیمارستان بود، خیلی هم حالش بد بود. هر وقت میومد مدرسه گریه می‌کرد. کنکورم داشتیم. من علاوه بر اینکه واقعا غصه می‌خوردم براش، تو درسا خیلی کمکش می‌کردمو خونشون می‌رفتم» (آرزو)

شرایط میانجی دگرخواهی

مطابق مدل اشترواس و کوربین شرایط میانجی شرایط کلی وسیع‌تری هستند که بر کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند و عبارت از زمان، فضا، فرهنگ، پایگاه اقتصادی، سطح تکنولوژی، تاریخچه و وقایع زندگی فرد است (اشترواس و کوربین، ۱۳۸۵:۱۰۴). شرایط میانجی دگرخواهی شامل ارزش‌ها و باورها می‌باشد.

ارزش‌ها و باورها

در جریان اجتماعی شدن، ارزش‌ها و باورها در فرد نهادینه می‌شوند. ارزش برخلاف مفهوم باور که توصیف کننده‌ی آن چیزهایی است که هست، ارزش توصیف کننده‌ی آن چیزهایی است که باید باشد. به عبارت ساده‌تر، ارزش ایده‌های متداول و رایجی است درباره‌ی اینکه چه چیز درست و چه چیز نادرست است. ارزش‌ها بسیار انتزاعی، کلی، معیارهای مشترک برای قضاوتند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۳۲). ارزش معیاری است که از طریق آن مطلوبیت، جذابیت، زیبایی و خوبی شخص یا چیزی را ارزیابی می‌کند و آن را راهنمای زندگی اجتماعی خود قرار می‌دهند (همان: ۳۳). ارزش‌ها بازتاب فرهنگ و جامعه‌اند و در نزد اعضاء متعلق به آن فرهنگ مشترک‌اند (صلیبی، ۱۳۸۱: ۴۱۸).

از منظر جامعه‌شناسی، باور یکی از عناصر غیر مادی فرهنگ است که مانند دیگر عناصر غیر مادی فرهنگ (ارزش، هنجار و نماد) ملموس و قابل رویت نیست. این عناصر تأثیر به‌سزایی در رفتار انسان می‌گذارند. باورها ایده‌های مشترک درباره‌ی چگونگی عملکرد جهان است.

باورها برداشت‌ها و انگاشت‌هایی‌اند که مردم آنها را حقیقی تلقی و توسط آنها جهان و جایگاه خود را در آن تفسیر می‌کنند. باورها می‌توانند ریشه در اعتقادات کور، تجربه، سنت و یا روش‌های علمی داشته باشند. ریشه‌ی باورها هرچه باشد، تأثیر بسزایی در رفتار انسان‌ها می‌گذارد (همان: ۱۰۵). ارزش‌ها و باورها نه تنها تعیین کننده‌ی چگونگی درک ما از محیط اطرافمان هستند، بلکه هسته‌ی اصلی شخصیت ما را نیز می‌سازند (همان: ۳۳).

مقولات محوری ارزش‌ها و باورها در چند دسته قرار می‌گیرند که عبارتند از:

• منش انسانی دیگری

اصطلاح منش به مجموعه‌ای از همه‌ی ویژگی‌هایی اشاره دارد که یک کل یکپارچه را تشکیل داده و طبیعت فرد را مشخص می‌کند (صلیبی، ۱۳۸۱: ۴۰۰). در اینجا منظور، شرایطی است که شخص در شرایطی که دیگری نیازمند، انسان خوب و اخلاق‌مداری باشد، نسبت به او اقدام به دگرخواهی خواهد کرد. اغلب زمانی فرد به کنش دگرخواهانه دست می‌زند که دوست وی ارزش و قدر آن را بداند و پاسخی مناسب را ارائه نماید.

«اگر خوب و با معرفت باشن هرکاری بتونم براشون می‌کنم.» (امیر)

• پایبندی به ارزش‌های اخلاقی

منظور از اصول اخلاقی، اصول یا قواعد لازم الاجرائی است که از نظر اخلاقی در گروه یا جامعه خاصی مطلوب شمرده می‌شود (صلیبی، ۱۳۸۱: ۲۰۸). ارزش‌های اخلاقی نیز یکی دیگر از دلایل و انگیزه‌های دگرخواهی است که در افراد به واسطه‌ی فرایند اجتماعی شدن درونی شده است. ارزش‌ها به اصول اخلاقی یا دیگر قضاوت‌های ارزشی اشاره دارند (ترنر^۱، ۲۰۰۶: ۶۴۹).

اخلاق شامل دو بخش است: اخلاق نظری و اخلاق عملی. اخلاق نظری، مطالعه‌ی اموری است که به زندگی اخلاقی شکل می‌دهد. اخلاق عملی اموری خارج از باورها و تعهدات است؛ بلکه فعالیت‌ها و رفتارهایی است که فرد انجام می‌دهد (استارت^۲، ۲۰۰۴: ۵). نمونه اخلاق نظری را در نظرات یکی از جوانان می‌توان مشاهده کرد.

«من بیشتر سعی می‌کنم به قواعد انسانی پایبند باشم. حالا فارغ از آموزه‌های مذهبی یا ملی یا هر چیز دیگه. اگه کانتی بخواهیم به اخلاق نگاه کنیم، می‌بینیم که کمک به دیگران میتونه به عملت قاعده در بیاد و هیچ مشکلی پیش نیاد که هیچ، تازه کلی هم سودمند باشه. بیشتر بخاطر اخلاق و ارزش‌های انسانی ان به دوستانم و سایرین خوبی میکنم.» (مهران).

• فراغت

شرایطی که شخص دگرخواه در آن به سر می‌برد و فارغ از هرگونه مشغله و گرفتاری می‌باشد. به عبارت دیگر بیانگر رفاه نسبی شخص دگر خواه در موقعیت و شرایطی است، که دیگری به او نیاز دارد. "فراغت زمانی"، شرایطی است که شخص دگرخواه فارغ از هرگونه محدودیت زمانی است. به عبارتی دیگر، برخوردار از اوقاتی آزاد است و فرصت دگرخواهی نسبت به دیگری نیازمند را دارد. «وقتی سرم خلوت باشه و درس نداشته باشم چرا کمکشون نکنم؟» (مریم)

راهبردهای کنش/کنش متقابل

به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده شده از سوی کنشگران تدبیر می‌شود (اشترواس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در این پژوهش منظور از راهبردهای کنش/کنش متقابل، اعمال دگرخوانه‌ای می‌باشد که از سوی کنش‌گران انجام شده است که در

1. Turner, Bryan

2. Starratt, Robert J

دو دسته‌ی کنش حمایتی و کنش ایثارگرانه قرار دارد. در اینجا به ذکر کنش‌های ایثارگرانه و تنها به ذکر برخی از کنش‌های حمایتی و صحبت‌های پاسخگویان می‌پردازیم.

۱) کنش حمایتی

منظور از حمایت اجتماعی، آسایش جسمی و روانی است که بوسیله دوستان و خویشاوندان برای فردی که تحت فشار روانی است فراهم می‌شود. با اعمال حمایت اجتماعی افراد از بهداشت جسمی بیشتری برخوردار می‌شوند و بهتر قادرند با فشار روانی مقابله کنند (صلیبی، ۱۳۸۱: ۳۶۲). در اینجا منظور، آن نوع کنش دگرخواهانه‌ای است که شخص در رابطه با دیگری نیازمند، به اعمال دگرخواهانه می‌پردازد؛ بدون اینکه به رفاه خویش آسیب جدی وارد کند.

• همدردی

اصطلاح همدردی با توجه به ریشه لاتین آن به معنی "هم حسی" است و منظور از آن شرایطی است که در آن فرد احساسات مشترکی با دیگران دارد. این مفهوم نوعاً با توجه به مفهوم یونانی آن در مورد هیجان‌ات دردناک و ناخوشایند مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاه نیز منظور از آن حس دلسوزی است که به فرد امکان می‌دهد تا اعمال یا احساسات فرد دیگر را توجیه کند (صلیبی، ۱۳۸۱: ۳۸۸). در متن مصاحبه یکی از جوانان مورد مطالعه اشاره دارد که:

«وقتی ناراحت هستن تنهاشون نمیدارم و غمخوارشون میشم.» (الهام)

• اخلاق مداری

نوعی دگرخواهی است و در این تحقیق از آن جهت از انواع عمل دگرخواهی در نظر گرفته می‌شود که اهمیت اخلاق در رابطه با "دیگری" آشکار می‌شود. اخلاق مداری به بیان ساده‌تر عبارتست از رعایت موازین اخلاقی نسبت به دیگران. اگر اخلاق مداری را یک بازه در نظر بگیریم؛ عالی‌ترین حد این بازه، موجب "رساندن خیر به دیگری" از طریق انجام رفتارهایی جهت حفظ حقوق دیگران، ایجاد حس مثبت در آنان بواسطه احترام گذاشتن به آنها و... می‌شود و حداقل این بازه، مانع از "آسیب رساندن به دیگری" از طریق رفتارهای ناشایستی چو ضایع کردن حق دیگران، تقلب و... می‌شود.

«احترام اونا رو حفظ می‌کنم کاری نمی‌کنم که باعث بشم ازم دلخور بشن.» (علی)

• مشارکت داوطلبانه

منظور از مشارکت داشتن نقش فعال فرد در بازی، گروه یا آزمایش است. به مفهوم وسیع منظور ویژگی پویایی هر فعالیت پیچیده‌ای است که حاصل "مشارکت" تعدادی از مؤلفه‌های متعامل باشد (صلیبی، ۱۳۸۱: ۲۴۰)

«از نظر درسی مشکلی داشته باشن بهشون کمک می‌کنم یا کاری بخان انجام بدن تا اونجا که بتونم کمکشون می‌کنم.» (محسن)

۲) کنش اینارگرانه

کنش دگرخواهانه‌ای است که مستلزم آن است که شخص دگرخواه به منظور فراهم کردن رفاه دیگری، جان خود را به خطراندازد و تفاوت آن با کنش حمایتی در این است که در کنش اینارگرانه، با "جان شخص دگرخواه و هر آنچه که به جسم و جان او مربوط می‌شود"، سرو کار داریم اما در کنش حمایتی هیچ‌گونه آسیب جدی، متحمل جسم و جان شخص دگرخواه نمی‌شود.

• بخشش جانی

هنگامی که شخص دگرخواه یکی از اعضای بدن خویش را به دیگری نیازمند، اهدا می‌کند. «بعضی از دوستانم نقد خوبن که حتی مثلاً آگه نیاز به کلیه هم داشته باشن حاضرم بهشون بدم.» (علی)

• از جان گذشتگی

این نوع دگرخواهی، عالی‌ترین نوع دگرخواهی است و هنگامی صورت می‌گیرد که شخص دگرخواه، حیات خود را به خاطر دیگری نیازمند به کلی از دست دهد. «بعضی دوستانم هستن که نقد بامعرفت و خوبن که آدم حتی حاضر جونش رو به طور کامل فداشون بکنه.» (امیر)

پیامدها

به برون داده‌ها یا نتایج کنش/واکنش اشاره می‌کنند (اشترواس و کوربین، ۱۳۲۸۵: ۱۰۷). پیامدهای دگرخواهی شامل رضایت از خود و تأیید اجتماعی هستند.

۱) رضایت از خود

رضایت به یک حالت هیجانی اشاره دارد که بر اثر دستیابی به برخی اهداف در فرد انجام می‌شود و گاه نیز به معنی تحقق واقعی پاداش‌ها در مقایسه با پاداش‌های مورد انتظار است (صلیبی، ۱۳۸۱:۳۱۳). در اینجا، اشاره به انگیزه‌ها و دلایلی دارد که به واسطه ایجاد حس مثبت در "شخص دگر خواه"، منجر به کنش دگرخواهانه می‌شوند.

«بخاطر وجدان خودم. در مجموع تو جمع دوستان همه منو به عنوان فردی که دست دیگران رو می‌گیره، میشناسن.» (میثم)

۲) انسجام اجتماعی

انسجام فرایندی اجتماعی است که گرایش به هماهنگ کردن و متحد کردن واحدهای متضاد و متنوع دارد، اعم از اینکه آن واحدها عناصر شخصیتی، فردی، گروهی یا اجتماع اجتماعی بزرگتر باشد. (فرچایلد، ۱۹۷۰:۱۵۹). به عبارتی دیگر تمایل هر گروه یا جامعه به حفظ خود یعنی یکپارچگی نگهداشتن اجزاء آن است (صلیبی، ۱۳۸۱:۳۴۹).

«بخاطر اینکه رابطه هامون بهتر بشه بهشون خوبی میکنم.» (الهام)

در مجموع با توجه به شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، پیامدهای دگرخواهی و کنش‌های دگرخواهانه‌ی جوانان می‌توان گفت جوانان به دلیل عواطف انسانی و مبادله اجتماعی (تحلیل هزینه-پاداش) و نیز به واسطه ارزش‌ها و باورهایی که در آنها درونی شده، در موقعیت‌های بحرانی، اقدام به اعمال دگرخواهانه نسبت به دوستان خود می‌کنند که نتیجه این وضعیت رضایت آنان از خودشان و انسجام اجتماعی می‌باشد.

دلایل عدم دگرخواهی

دلایل عدم دگرخواهی در دو مقوله نهایی هنجارهای اجتماعی و ارزش‌ها و باورها قرار می‌گیرند.

۱) هنجارهای اجتماعی

- عدم استقلال در محیط خانواده

از دلایلی است که به فرهنگ پدرسالاری در جامعه اشاره دارد که زنان حتی حق تسلط بر بدن خویش را ندارند و شاید در اینجا بتوان نقدی وارد کرد بر تحقیقاتی که دگرخواهی را عملی مردانه می‌دانند و دگرخواهی زنان را کمتر از مردان می‌دانند. در اینجا می‌توان گفت زنان کمتر از مردان دگرخواه نیستند، بلکه مهمترین دلیلی که مانع از دگرخواهی در میان آنان می‌شود، فرهنگ پدرسالاری حاکم بر جامعه است که به طور چند جانبه‌ای بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. زنان در نتیجه‌ی عدم تسلط بر بدن خویش کمتر می‌توانند کنش‌های ایثارگرانه کنند. هم چنین عدم فرصت‌های اشتغال برای زنان و در نتیجه‌ی آن عدم استقلال مالی، زنان کمتر از مردان بخشش‌های مادی می‌کنند.

همانطور که در این تحقیق نیز مشاهده گردید، کلیه‌ی بخشش‌های مادی در سطح خانواده از سوی مردان صورت می‌گرفت. برای "عدم استقلال در محیط خانواده" در قسمت مقولات معنایی، ما از این رو به طور مستقیم به فرهنگ به پدرسالاری اشاره نکردیم که در پی به دست آوردن مقوله‌ی معنایی مشترک برای کلیه‌ی مقولات ثانویه بودیم که پدرسالاری آنان را تحت پوشش قرار نمی‌داد، از این رو ارزش‌ها و باورها را به عنوان مقوله‌ی کلی برگزیدیم.

«بعضی دوستانم هستن که خیلی واسم عزیزن مث خواهرم دوششون دارم اما مطمئنم اگه همچین اتفاقی واسشون خدایی نکرده بیفته و بنخام یکی از اعضامو بهشون اهدا کنم خونوادم نمیزارن. میگن دختری، فردا روز یه دختری که مثلاً یه کلیه نداشته باشه، موقعیت ازدواج کردن واسش سخت میشه. اما من خودم عقاید اونارو ندارم. معتقدم کسی که به خاطر فیزیکم واسه من ارزش قایل باشه، همون بهتر که نباشه.» (آرزو)

۲) ارزش‌ها و باورها

• مبادله اجتماعی

مبادله اجتماعی که قبلاً به تعریف آن پرداختیم، همانطور که از دلایل دگرخواهی می‌باشد، از دلایل عدم دگرخواهی نیز می‌باشد. آنجا که اشخاص در فرایند تحلیل هزینه-پاداش به نتیجه گیری مثبتی که پاداش را به همراه دارد، دست یابند، دگرخواهی انجام می‌شود و آنجا که در فرایند تحلیل هزینه-پاداش به نتیجه گیری منفی که فاقد پاداش است، دست یابند، دگرخواهی صورت نمی‌گیرد.

«بخاطر این به دوستانم کمک نمی‌کنم؛ چون که دوست واقعی وجود نداره جز در دسر هیچی واسه آدم

ندارن.» (سحر)

• ایجاد خلل در فراغت

از دیگر دلایل عدم دگرخواهی در سطح دوستان می‌باشد. شخص هنگامی که رفاه خود را بر دیگری ترجیح دهد، حاضر به دگرخواهی نیست. این دلیل از بارزترین دلایل عدم دگرخواهی و به طور دقیق نقطه‌ی مقابل آن یعنی خود خواهی است. زیرا دگرخواهی کنشی است که شخص دگرخواه رفاه دیگری را مد نظر دارد.

«مگر اینکه خودش ازم بخاد و اسش کاری انجام بدم اونم به شرطی که از دستم بریاد و باعث عذاب دادن خودم نشه چون اگه قرار باشه به زحمت بیفتم و سختم باشه قبول نمی‌کنم» (سپیده).

۷- نتیجه‌گیری

مطالعه نوع‌دوستی در سطح دوستان نشان می‌دهد که عمدتاً دگرخواهی در قبال دوستان با کنش حمایتی و نه کنش ایثارگرایانه مشخص می‌گردد. آنچه غالباً در کنش‌های حمایتی از دوستان وجود دارد مشارکت داوطلبانه، کمک مادی و همدردی است که به نوعی نشان از آن دارد که معنای دگرخواهی در قبال دوستان برای جوانان مورد مطالعه نوعی «همکاری و همراهی متقابل» می‌باشد و کمتر به عنوان وظیفه تلقی می‌گردد. همکاری و همراهی متقابل به معنای کمک رساندن به دوست هنگام نیاز، قرض دادن پول که انتظار برگشت آن وجود دارد، و همدردی هنگام ناراحتی و درد می‌باشد.

در چنین شکلی از دگرخواهی فرد زندگی خود را دنبال می‌کند و در عین حال هنگام نیاز و ضرورت به همکاری و همراهی متقابل با دوستان خود می‌پردازد.

هر چند که به نظر می‌رسد در شکل دگرخواهی در قبال دوستان با توجه به جنسیت تمایزاتی قائل شد. زنان عمدتاً دگرخواهی را در همراهی و همدردی با دوست معنا می‌کنند و مردان اغلب در همکاری و کمک مادی را تعریف می‌نمایند.

در ارتباط با زمینه‌های بروز اعمال دگرخواهانه در قبال دوستان می‌توان چنین عنوان کرد که اغلب زمانی فرد به دیگری توجه می‌کند که وی در موقعیتی بحرانی قرار داشته باشد یا بیشتر شخصیت خوب خود را اثبات کرده باشد. در واقع، در تعامل با دوستان همواره نوعی نگرانی برای افراد وجود دارد که آن‌ها به قدر کافی قدر محبت‌ها و حمایت‌های فرد را ندانند.

از این رو، افراد همیشه این شرط را دارند که در صورت اطمینان از شعور و درک طرف مقابل و قدردانی لازم حمایت‌های خود را ارائه می‌نمایند. این نحوه نگرش به دگرخواهی در قبال دوستان این پیامد را دارد که در شرایطی که اعتماد اجتماعی میان افراد به طور کلی پایین باشد، و فردگرایی و گفتمان

پیشرفت فردی چنان توسعه یافته باشد که افراد کمتر توجه به دیگری داشته باشند، آنگاه شاهد کاهش دگرخواهی در میان دوستان خواهیم بود چرا که همواره انتظاراتی که فرد در قبال حمایت از دیگری دارد، برآورده نمی‌شود و بتدریج تمایل وی برای حمایت از دوستان کاهش می‌یابد. بدین لحاظ باید تأکید کرد که معنای دگرخواهی باید چیزی بیش از «همراهی و همکاری متقابل» در نظر گرفته شود. انتظار فهم و قدردانی از سوی دیگران، بتدریج تمایل به دگرخواهی را در افراد کاهش خواهد داد، چرا که عمدتاً پاسخ‌های دیگران متناسب با انتظارات افراد نیست.

دلایل دگرخواهی در قبال دوستان نیز نشان می‌دهد انگیزه‌های اصلی جوانان مورد مطالعه از توجه و حمایت دیگری از سویی جنبه عقلانی و از سویی دیگر جنبه احساسی دارد. در منظر عقلانی، عمدتاً این پیش‌فرض وجود دارد که دگرخواهی می‌تواند سرمایه‌گذاری در روابط با دوستان تلقی گردد که باعث افزایش سرمایه اجتماعی فرد شده و می‌تواند در زمان نیاز مورد استفاده قرار گیرد. در این معنا دگرخواهی خصلتی عقلانی به خود می‌گیرد و به عنوان مبادله اجتماعی تعریف می‌گردد.

از سویی دیگر، وجود احساس مشترک میان دوستان می‌تواند مبنای دگرخواهی قرار گیرد. افراد به جهت تعلق احساسی و عاطفی به دوستان خود در جهت حمایت از آن‌ها اقدام می‌نمایند که این امر به نوعی نشان از عواطف انسانی تعمیم‌یافته دارد. باز هم در اینجا این مسأله وجود دارد که مبنای عقلانی از دگرخواهی که عمدتاً بر مبادله اجتماعی تأکید دارد، در موقعیت‌هایی که انتظارات برآورده نگردد، رو به کاهش می‌گذارد. از این رو، به نظر می‌رسد جلوگیری از نوسانات دگرخواهی افراد در گرو ایجاد معنایی اخلاقی و عاطفی از آن است که از نوعی اعتقاد مشترک به نوع دوستی و تعلق خاطر عاطفی به دیگران حاصل می‌گردد.

در خصوص دلایل عدم دگرخواهی نسبت به دوستان باید به این موضوع اشاره داشت که دگرخواهی نیازمند شرایط و انگیزه‌های لازم برای عمل است.

بعضاً خانم‌ها به جهت عدم استقلال در تصمیم‌گیری فردی در سطح خانواده و یا عدم استقلال مالی یا امکان دگرخواهی نمی‌یابند و یا به سوی نوع خاصی از دگرخواهی که کمتر هزینه مادی و اجتماعی داشته باشد، متمایل می‌گردند. پ

از سوی دیگر، همانطور که پیشتر اشاره کردیم، انگیزه‌های دگرخواهی به وجود احساس مشترک و یا انتظار فهم و جبران محبت باز می‌گردد، که بعضاً به جهت عدم وجود هر کدام از این موارد، دگرخواهی افراد کاهش می‌یابد.

در تحلیل نهایی، به نظر می‌رسد با توجه به تعریف مفهومی دگرخواهی در این پژوهش که آن را فارغ از انگیزه‌ها و منافع فردی تعریف نموده‌ایم، آنچه در جوانان مورد مطالعه مشاهده می‌شود اغلب نوعی مبادله اجتماعی و تعریف عقلانی از دگرخواهی است.

افراد به دوستان خود کمک می‌کنند تا در هنگام نیاز آن‌ها نیز مساعدت‌های لازم را مبذول دارند. این امر، نشان از درکی عقلانی از دگرخواهی دارد که با معنای مورد نظر ما در این پژوهش همخوانی ندارد.

از سویی دیگر، مشاهده می‌کنیم که در تعاملات دوستان با یکدیگر، کمتر با الزامات دینی و فشارهای اجتماعی به منظور تعامل دگرخواهانه با دوستان مواجه هستیم و تعامل دگرخواهانه با دوستان بیشتر ریشه عقلانی و احساسی دارد. آنچه تجربه دگرخواهی در جوانان مورد مطالعه را با مفهوم مورد نظر این پژوهش نزدیک می‌کند، آن نوع از کنش‌های حمایتی دگرخواهانه است که به جهت پیوند و اشتراک عاطفی و بدون دلایل عقلانی از سوی افراد در قبال دوستان‌شان رخ می‌دهد که در تجربیات جوانان مورد مطالعه کمتر مشاهده می‌گردد.

فهرست منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۶). مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۲. استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۳. بارون، رابرت و دیگران (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، تهران: روان
۴. بیرو، آلن (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۵. جهانگللو، رامین (۱۳۸۱). موج چهارم، ترجمه منصور گودرزی، تهران: نی
۶. حقیقی، شاهرخ (۱۳۷۹). گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار و دریدا، تهران: آگاه
۷. ریتزر، جرج (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، تهران: علمی
۸. صدرا، علیرضا و قنبری، علی (۱۳۸۷). ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

۹. صلیبی، ژاسنیت (۱۳۸۱). فرهنگ توصیفی روان شناسی اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشر نی
۱۱. فردرو، محسن و دیگران (۱۳۸۴). " بررسی علل و عوامل تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی در ایران " جامعه و فرهنگ، تهران: آرون
۱۲. فردرو، محسن و دیگران (۱۳۸۴). "تبیین جامعه شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران" جامعه و فرهنگ، تهران: آرون
۱۳. فلیک، اووه (۱۳۸۷). در آمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی
۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳). دورکم، ترجمه یوسف اباذری، تهران: خوارزمی
۱۵. مارشال، گوردن (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.
۱۶. میجلی، جیمز (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمد تقی جغتایی، تهران: آبان.
- ۱۷.

18. Fairchild, H. P (1970), Dictionary of sociology, New jersey. Helix books.
19. Mann, M (1983), macmillan student encyclopedia of sociology, London: macmillan press.
20. Start, R. J (2004), Ethical Leadership, San Francisco: Jossey Bass.
21. Tullberg, B. S. & Tullberg, Jan (1996). "On human altruism: the discrepancy between normative". Oikos. page 327-329
22. Turner, B (2006), The Cambridge dictionary of sociology, New York: Cambridge university press.
23. Yeung, Anne Birgitta (2006), "In search of a good society: introduction to altruism theories and their links with civil society", Centre for Civil Society,

London School of Economics and Political Science, London, UK. ISBN.
page1-49.